



بالزاک و کمدی انسانی

شهریار زرشناس

بسط سیطره بانکداران و سفته‌بازان و دلالان و سرمایه‌داران ریاکار ولئیم و دروغگو.

نیمه اول قرن نوزدهم، فرانسه، به لحاظ فکری و فلسفی اساساً تحت سیطره بینش ماتریالیستی و بوزیتیویستی کندیاک و اگوست کنت قرار داشت، هرچند که در برخی محافل و دانشگاهها، آراء تجددگرایان مذهبی (نظریه‌پردازان تحقق دین در ذیل اومانیزم) چون: مندوبیران و ویکتور کوژن، نیز از حضور و نفوذی برخوردار بوده است.

بیش عصر روشنگری و میراث «عقل‌گرایی ولتر»ی سبب شده بود که «اجتماعیات» و مسائل اجتماعی به مرکز و

«بر آن شدم که تابلوهایی از تمام مردم فرانسه، از همه رده‌های اجتماع بکشم، اجتماع فرانسه برای من مورخ باشد و من منشی او. طبایع و سرشتهای گوناگون را با دقت و موشکافی به رشته تحریر درآورم و میراثی برای آیندگان باقی گذارم تا بدانند در عصر ما چه مردمی با چه آرمانهایی زیست می‌کردند.»^(۱)

بالزاک، در زمره بانیان و بنیانگذاران ادبیات رئالیستی در فرانسه است. او در یکی از پرتلاطم‌ترین ادوار تاریخ عصر جدید فرانسه زندگی می‌کرد: روزگار سقوط ناپلئون و سلطنت‌های بی‌ثبات لوئی هجدهم، شارل دهم، لوئی اژلسان و انقلابهای سالهای ۱۸۲۰ و ۱۸۴۸، روزگار

اونوره دو بالزاک، رمان‌نویس فرانسوی، از نام‌آورترین چهره‌های ادبیات رئالیستی است. بالزاک، نیم‌قرن زندگی کرد که بیست و پنج سال آن را اختصاصاً به داستان‌نویسی پرداخت. بیش از نود کتاب و نزدیک به دو هزار شخصیت داستانی، محصول فعالیت نویسنده‌گی او بوده است. بالزاک، تلاش می‌کرد تا تصویری روشن و واقعی از زندگی اجتماعی روزگار خود در قالب رمان و داستانهای کوتاه و بلند ارائه کند. وی مجموعه آثار خود را (که قرار بود تابلویی واقعی از اجتماع نیمه اول قرن نوزدهم فرانسه باشد) «کمدی انسانی» می‌نامید. او در مقدمه یکی از نخستین کتاب‌هایش در این خصوص می‌نویسد:

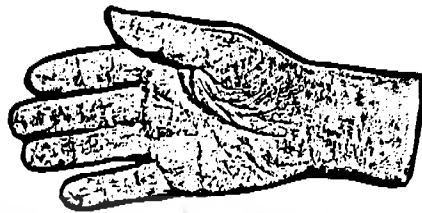
محور توجه عمومی بدل گردد و این توهم که «سیاسیات و اجتماعیات اصل و باطن فرهنگ و اندیشه و همه امور است» جزء مشهورات و مسلمات درآید. ریشه‌های فلسفی و تاریخی پیدایش رئالیسم را نیز، باید در همین امر جست‌وجو کرد.

در همین دوران است که «جامعه‌شناسی تحصیلی» اگوست کنت، پدید می‌آید و مارکس و انگلس در مانیفست معروف خود، اجتماعیات و سیاسیات مبتنی بر آن را به خدای عصر جدید بدل می‌کنند.

بالزاک، در دورانی قدم به عرصه نویسندگی گذاشت که ستاره اقبال رمانتیسیم افول کرده بود و همچنان که گفتیم، نوعی توجه و علاقه عمومی به مسائل اجتماعی و سیاسی و روح پول‌پرستی و جاه‌طلبی و سوداگری شیوع عام یافته بود. بالزاک نیز، با توجه به مقتضیات زمانه، به‌نوعی رئالیسم اجتماعی در قلمرو ادبیات داستانی روی آورد.

کار بالزاک را می‌توان از جهاتی با چارلز دیکنز، رمان‌نویس انگلیسی معاصر او مقایسه کرد، دیکنز نیز، در آثار رئالیستی خود به ترسیم اجتماع روزگار خود پرداخته است، هرچند که گذشته از برخی از اختلافات که در نحوه نگارش و سبک کار این دو نفر وجود دارد، یک تفاوت اساسی ما بین بالزاک و همتای انگلیسی او وجود دارد:

تابیلویی که دیکنز از جامعه انگلیس ترسیم کرده است، از گستردگی و شمول «کمدی انسانی» بالزاک برخوردار نیست، دیکنز، در آثار خود، عموماً به ترسیم زندگی تیره‌بختان و طبقات فرودست جامعه صنعتی و اصطلاحاً و مبارزات آنان با کارفرمایان و سرمایه‌داران (امری که در جامعه نیمه



اول قرن نوزدهم انگلیس به کرات دیده می‌شد) می‌پردازد. در آثار دیکنز، کمتر با تصاویری از زندگی خصوصی و اجتماعی طبقات سرمایه‌دار، زنان اشراف، دولت‌مردان و... برمی‌خوریم درحالی که «کمدی انسانی» بالزاک، تابیلویی تقریباً کامل، از جامعه فرانسه در نیمه اول قرن نوزدهم است. علاوه بر این که در آثار بالزاک، با برخی از موشکافی‌های روان‌شناختی در خصوص روحیات جوانان، زنان و پیرمردان روبرو می‌شویم که در آثار دیکنز نظیر ندارد. اما در این نکته تردیدی نیست که بالزاک دنیای کارگران فقیر و روستاییان تیره‌بخت را به خوبی دیکنز نمی‌شناخت. بالزاک شیفته تجمل و زرق و برق و رفاه زندگی اشراف و بورژواها بود و در آثار خود نیز، عمدتاً به آنها پرداخته است. ساموست موام، نویسنده معاصر انگلیسی نیز، به این مفهوم اشاره دارد او با نوعی شیفتگی نسبت به بالزاک می‌نویسد:

«میدان عمل او (بالزاک)، تمامی پهنه حیات عصر او بود و چشم انداز وی، به وسعت مرزهای کشورش، اطلاعات او درباره انسانها وسیع بود، ولی در بعضی زمینه‌ها، این اطلاعات به اندازه آگاهی دقیقی نبود که از زمینه‌های دیگر داشت. بالزاک، طبقه متوسط جامعه: پزشکان، وکلای دادگستری، منشی‌ها و روزنامه‌نویسها، دکاندراها، کشیشمان روستاها را، بهتر از

دنیای بزرگ و بهتر از جهان کارگران شهری و دنیای کشاورزان، می‌شناخت... فکر می‌کنم او، اولین رمان‌نویسی بود که متوجه اهمیت «اقتصاد» در زندگی مردم شد... بالزاک فکر می‌کرد که تمایل به پول، اشتهای به پول، انگیزه اصلی کارهای بشر است. در رمانهای او، به چنگ آوردن پول و پول بیشتر، مطلبی است که ذهن قهرمانان را یکی پس از دیگری اشغال کرده است. هدف آنها این است که با جلال و شکوه زندگی کنند، خانه‌های قشنگ، اسب‌های قشنگ... داشته باشند و درنظر آنها همه وسائل، تا وقتی که در کار خود موفق می‌شوند، برای رسیدن به هدف، مشروع است.»^(۲)

معروف است که بالزاک همیشه می‌گفت: «پول، تنها خدای روزگار ما است». این نکته در آثار او نیز تظاهر بسیار دارد، درواقع می‌توان گفت پول و طلا محور اصلی تمامی آثار بزرگ اوست. در باباگوریو، آن حرص و طمع و پول‌پرستی، باعث بی‌مهری فرزندان به پدر می‌گردد، در حل اختلافات زناشویی ازدواج را به یک معامله تجاری و حسابگرانه بدل می‌کند، در اوژنی گراند، طلا و دلبستگی دیوانه‌وار به آن باعث از هم پاشیدن زندگی خانوادگی و دلبستگی والدین به فرزندان می‌گردد، در آرزوهای از دست رفته، رابطه دوستی را به خیانت و کارشکنی می‌کشانند... راستینیک، در رمان باباگوریو می‌گوید: «ثروت همان تقواست» و باباگوریو (علی‌رغم باطن پاک و اخلاقی اش) در توصیف روزگار خود می‌گوید: «پول، زندگی است». در کتاب اوژنی گراند، پیرمرد طماع و خسیسی نقش آفرینی می‌کند که به همه اخلاقیات و ارزشها و عواطف انسانی بی‌اعتنا است، او بی‌پولی را تنها



هوسهای افراطی، شهوات تند و مبتذل و پول پرستی و تجمل گرایی دیوانه وار. او کتاب پرآوازه ای دارد به نام چرم ساغری که قهرمان آن رافائل دووالنتن در اوج ناامیدی به تکه ای چرم اسرارآمیز برمی خورد، چرمی که آرزوهای صاحبش را برآورده می کند، اما با هر آرزو، کوچک تر می شود، روح هوسباز رافائل که از هیچ چیز آرام و قرار نمی گیرد آن قدر از چرم ساغری، آرزو می طلبد که چرم تمام می شود و با تمام شدن آن زندگی رافائل نیز، به پایان می رسد، درواقع رافائل قربانی هوسبازی خود می گردد. زندگی بالزاک را نیز، می توان به اعتباری همچون زندگی قهرمان رمان چرم ساغری دانست، بالزاک نیز قربانی

روح را بکشیم و جسم را خوار کنیم». بالزاک، خود نیز همچون قهرمانان آثار خود (و حتی بیش از آنها) اسیر حرص و آز و پول پرستی بود. او در زندگی فقط برای دو هدف تلاش می کرد: «پول و شهرت». بالزاک اشتیاقی وصف ناشدنی به القاب و تجملات و زندگی اشرافی داشت، او در جوانی پدرش را مجبور کرده بود تا پیشوند «دو» (که در زبان فرانسه نشانه اصل و نسب اشرافی شخص است) را به ابتدای نام خانوادگی ایشان بیفزاید. بالزاک، روحی نامتعادل و بی قرار و بیمار داشت که فقط ثروت بسیار و تجمل فراوان، آن را برای لحظه ای آرام می کرد. زندگی بالزاک، سراسر عبارت است از:

مصیبت و بزرگترین مصیبت می داند. البته این پول پرستی دیوانه وار قهرمانان آثار بالزاک، جلوه ای از روح سوداگرانه زمانه ای است که او به توصیف آن پرداخته است، زمانه ای که لوئی فیلیپ (پادشاه کشور)، خود سفته باز و دلال چپاولگری است و دولت فرانسه (به قول دو توکویل، جامعه شناس فرانسوی) حکم یک «شرکت تجاری» را یافته بود. (۲) بالزاک در کتاب اوژنی گرانده، از زبان یکی از شخصیت های داستان می گوید:

«تنها یک امید و یک هدف همگی ما را تسخیر کرده است، اینکه هرطور شده خود را به بهشت تجمل و بیهودگی و لذت برسانیم و به خاطر تملک زودگذر این سرزمین موعود،

هوسبازی و شهوت‌رانی خود گردید.

●
بالزاک، در تاریخ ادبیات رئالیستی از نقش و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. او در زمره بانیان و بنیانگذاران این مکتب محسوب می‌شود. او مبدع مفهوم تازه‌ای از «من» در ادبیات داستانی است که بر نسبت با اجتماعات و در متن حیات اجتماعی رنگ و معنا و هویت می‌گیرد و تحقق می‌یابد. بالزاک، آدمی را محصول اجتماعات و حیات اجتماعی می‌داند. خود او در این خصوص می‌نویسد:

«آدمی محصول اجتماع و محیط طبیعی خویش است»^(۲)

در آثار بالزاک، با ظرایف و دقایق بسیاری از زندگی طبقات مختلف جامعه (بویژه اشراف و طبقات متوسط) روبه‌رو می‌شویم، او معتقد بود که ترسیم و توصیف کاراکترهای داستانی، بدون در نظر گرفتن نسبت و پیوند آنان با شرایط اجتماعی، بدان می‌ماند که گل را بدون توجه به زمینی که در آن کاشته می‌شود در نظر بگیریم.

«اساس رئالیسم بالزاک، پایه‌گذاری وجدانیات بر وضع و موقع اجتماعی است. به همین خاطر او هرگز شخصیت‌های خود را وادار نمی‌کند که چیزی برخلاف موقعیت اجتماعی... خود بگویند»^(۵)

آرزوهای بر باد رفته، دختر عموبیت، پسر عمو پنس، باباگوریو، چرم ساغری، اوژنی گراندیه و دختر زرین چشم، در زمره آثار پرآوازه بالزاک هستند که او در آنها مسائلی چون: روحیه سوداگری و پول‌پرستی، شهوت‌رانی و فساد اخلاقی و ابتذال و انحراف جنسی، و مسائل اخلاقی و نفسانی ای مانند تنگ‌نظری، ریاکاری، تزویر

و دغلکاری، سادیسیم و آزارگری... را به تصویر کشیده است.

بالزاک، در اوژنی‌گراندیه، به ترسیم چهره پدری می‌پردازد که به علت خست و مال‌اندوزی و رفتار بی‌عاطفه خود، سبب دلسردی و آزرده‌گی دختر ساده دل خود می‌گردد، دختر که از پدر سرخورده است، فریب پسر جوانی از بستگان را می‌خورد، بی‌خبر از آن که آن جوان دغلکار، طمع در میراث و ثروت پدری وی دارد. اوژنی، دختر حساس و تنهایی است که رفتار پدر او را از خانه دلسرد کرده و از آن که بدو چشم امید داشته، نامرادی و دورویی دیده است و همه این تباهی‌ها به واسطه طمع‌کاری و حرص و آز و پول‌پرستی پدید آمده است...

در داستان باباگوریو نیز، با پیرمرد مهربان و ساده‌دلی آشنا می‌شویم که همه ثروت خود را به‌پای دو دختر بی‌وفا و ناسپاس خود هدر داده است و در ایام سال‌خوردگی در پانسویون «مادام وکه» در تیره‌روزی ایام می‌گذراند. داستان رقت‌بار حیات و مرگ پیرمرد، برآستی تأثرانگیز و تکان‌دهنده است. در همین داستان، با جوان تهیدست و جاه‌طلبی به نام «اوژن دوراستینیاک» روبه‌رو می‌شویم که در آرزوی دست‌یابی به ثروت و مکتنت، در منجلاب فساد و خیانت درمی‌غلتد. بالزاک بدرستی و با تواناییی به ترسیم روح سوداگرانه، ماتریالیستیک و بی‌رحمانه عصر جدید می‌پردازد، او در آثار خود تصویر جامعه فرانسه در هنگام بسط سیطره سرمایه‌داران را به زیبایی و مهارت ترسیم می‌کند، بالزاک را می‌توان ترسیم‌گر جامعه صنعتی در دوران بسط نیهیلیسم منفعل و آغاز اوج‌گیری بحرانهای ذاتی آن دانست،

اما نمی‌توان و نباید منتقد جدی این جامعه محسوس داشت. او خود تبسم روح نیهیلیستی تمدن جدید بود. وی گرفتار روحی سوداگرانه، نامتعادل، شهوانی و سوداگر بود، او به فکر تغییر وضع موجود نبود بلکه به این فکر بود که خود نیز به حلقه «طبقات ممتاز» و مرفه‌راه پیدا کند. رئالیسم در فرانسه با بالزاک پدید آمد و با گوستاو فلوبر، دچار زوال گردید و در برادران گنگور و امیل‌زولا، به هیئت ناتورالیسم درآمد. ادبیات مدرن غربی از جهات مختلف به میراث ادبیات رئالیستی بالزاک، گوگول، دیکنز و تولستوی پشت کرده است، هرچند که رویکرد سور رئالیستی ادبیات مدرن، نافی اهمیت و ارزش تاریخی آثار بالزاک در توصیف مفاسد و معایب «کمدی انسانی» در اجتماع فاسد و سوداگر فرانسه عصر بازگشت و روزگار سلطنت ژوئیه و لوئی ارلئان نیست. بالزاک، توصیف‌گر فساد و پول‌پرستی و تباهی‌های روزگار خویش بود، اما خود بیش از هرکس دیگر، گرفتار و اسیر این فساد و تباهی و خودخواهی بود. □

پاورقی‌ها:

۱. کمدی انسانی و زندگی‌نامه بالزاک / ترجمه و تفسیر حسن شهباز / انتشارات علمی، ص ۲۲۲/۱۳۶۴.
۲. موم، سامرست / درباره رمان و داستان کوتاه / ترجمه کاره دمکان / شرکت نشر کتابهای جیبی / ص ۵۶، ۵۵ و ۱۳۵۶.
۳. دکتر میترا / رئالیسم و ضدرئالیسم در ادبیات / انتشارات آگاه / چاپ هفتم / ۱۳۶۲.
۴. پیشین / صفحه ۶۸.
۵. پیشین / صفحه ۶۹.